

تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی

مطالعه موردی: استان‌های شمالی ایران

دکتر مصطفی قادری حاجت^{۱*}، زکيه آفتابی^۲

چکیده

عدالت فضایی به حاکمیت شرایطی اشاره دارد که در آن، منابع، مزایا، قدرت و ثروت جامعه از توزیع متوازنی برخوردار باشند. تجلی این امر را می‌توان در توزیع نسبی متوازن شاخص‌های توسعه در مقیاس‌های ملی و محلی مشاهده کرد. از سویی دیگر بی‌عدالتی فضایی به حاکمیتی شرایطی اشاره دارد که منابع، مزایا، ثروت و قدرت در جامعه توزیع نامتوازنی داشته، جامعه میل به دوگانگی و شکاف ساختاری داشته و پیامدهای مختلفی را خواهد داشت. جدای از پیامدهای سیاسی و امنیتی آن، از نظر اجتماعی، حاکمیت بی‌عدالتی فضایی، پیامدهایی همچون گسترش فقر، حاشیه‌نشینی و ناهنجاری‌های دیگری را دربر دارد. با توجه به تعاریف مختلف از فقر از منظر مطلق و نسبی بودن، آنچه در این مقاله مورد توجه قرار دارد فقر نسبی است که می‌توان آن را محرومیت از استانداردهای میانگین در جامعه توصیف کرد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تولید نقشه‌ها و استفاده از نرم‌افزار ArcGIS و Excel در پی مطالعه و تحلیل فقر استان‌های شمالی جمهوری اسلامی ایران از منظر عدالت فضایی است. بدین‌منظور، هفت استان خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به‌عنوان محدوده مطالعاتی انتخاب شد. نتایج نشان می‌دهد که استان خراسان شمالی جزو فقیرترین استان‌های کشور است. پس از آن، استان‌های گلستان، گیلان و اردبیل به لحاظ شاخص فقر و محرومیت در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های مازندران، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در مقایسه با استان‌های پیش‌گفته وضعیت مطلوب‌تری داشته و در رتبه دوم فقر و محرومیت قرار دارند. این امر در حالی است که میانگین عدالت فضایی این استان‌ها برابر با ۰,۳۴۰ بوده که از میانگین ملی عدالت فضایی (۰,۳۴۷) پایین‌تر است. براین اساس استان‌های خراسان شمالی (۰,۳۱۳)، اردبیل (۰,۳۱۳)، گلستان (۰,۳۲۵)، آذربایجان غربی (۰,۳۲۹)، گیلان (۰,۳۳۱)، آذربایجان شرقی (۰,۳۳۵) و مازندران (۰,۳۴۰)، به ترتیب کمترین تا بیشترین عدالت فضایی را دارند. مقایسه وضعیت استان‌های مورد مطالعه در شاخص فقر و محرومیت با وضعیت آن‌ها به لحاظ شاخص عدالت فضایی نشان داد که هر قدر شاخص عدالت فضایی استان‌ها کمتر باشد، به همان میزان فقر و محرومیت بیشتری در آن استان‌ها وجود دارد.

جغرافیا و توسعه، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۳

صفحات: ۹۵-۱۱۰



واژه‌های کلیدی:

فقر، بی‌عدالتی فضایی، عدالت فضایی، استان‌های شمالی، ایران

دینامیسم سیاسی-اجتماعی قابل بررسی و پیگیری است. از آنجایی که فضا در بردارنده پدیده‌های گوناگونی است که ترکیب و تلفیق این پدیده‌ها به شکل‌های گوناگون، آثار متنوعی از خود برجای می‌گذارند (حافظ‌نیا، قادری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). یکی از مهم‌ترین تجلی‌های فضایی در بیشتر جوامع پیشرفته و در حال توسعه، بی‌عدالتی فضایی است. بی‌عدالتی فضایی را می‌توان توزیع نامتوازن فرصت‌ها،

مقدمه

فضای جغرافیایی، محصول عملکرد عوامل بسیاری است که در این بین، نهاد سیاست و کارکرد نهادهای رسمی و شاخص آن یعنی حکومت و به تبع آن دولت تأثیر بسیار زیادی در کیفیت شکل‌گیری آن از منظر عدالت فضایی دارد. به‌همین دلیل است که درک حوزه معنایی عدالت فضایی، مشروط به درک رابطه متقابل سیاست و فضاست. اثرات مکانیسم یادشده در قالب

امکانات و قدرت در فضا دانست که در ابعاد مختلفی قابل تبیین است. احساس و ادراک انسان از درجهٔ عدالت فضایی موجود در محیط زندگی‌اش، بر جنبه‌های مختلف زندگی و رفتارها و تعاملات وی اثر می‌گذارد. بی‌عدالتی فضایی همچنین، موجب گسترش فقر و محرومیت در مناطق و فضاهای جغرافیایی کم‌قدرت می‌شود (Brad, 2017: 1)؛ بنابراین، بی‌عدالتی فضایی پدیده‌ای است که پیامدهای منفی زیادی به دنبال داشته و در ارزیابی ریشه‌های فقر در فضاهای جغرافیایی، یکی از موضوعات مهم و قابل توجه وضعیت عدالت فضایی در این فضاهاست. طبق آمارها و شاخص‌های کمی و کیفی عدالت فضایی موجود در سطح استانی، شاخص برخورداری از عدالت فضایی در همه جای کشور یکسان نبوده و توزیع آن ناشی از ارتباط متقابل سه‌گانهٔ قدرت، فرصت و ثروت در یک رابطهٔ پویاست. به‌گونه‌ای که با حرکت از استان‌های مرکزی کشور به سمت استان‌های مرزی، به تدریج از میزان کیفیت و کمیت شاخص‌های توسعهٔ رفاه کاسته شده و بر میزان فقر و بی‌عدالتی فضایی، غیر از موارد معدودی، افزوده می‌شود. مسئلهٔ فقر و نابرابری، امروزه در نتیجهٔ موج‌های سهمگین سرمایه‌داری جهانی، در کشورهایمانند ایران نیز اساساً فضایی شده‌است. به نظر می‌رسد دیدگاه‌ها و به تعبیری، گفتمان جریان غالب، عملاً نتوانسته‌اند مسئلهٔ فقر و نابرابری فضایی را مفهوم‌پردازی کنند. منظور از مفهوم‌پردازی، نگرش انتقادی و مسئله‌محور است که در نتیجهٔ نفوذ به لایه‌های زیرین واقعیت امکان‌پذیر است و این نیز خود به واسطهٔ نوعی اندیشه‌ورزی ممکن است که صرفاً در بند پدیدارها و نموده‌های مسئله نماند، بلکه بتواند با ژرف‌کاوی، لایه‌های زیرین پدیدارها را بشکافد و سازوکارها و نیروها و گرایش‌های ساختاری یک مسئله را شناسایی، تبیین و مفهوم‌پردازی کند. فقط چنین

نگرشی است که می‌تواند به مفهوم‌پردازی بیانجامد؛ در غیراین صورت، همچنان که در وضعیت کنونی می‌بینیم، بیشتر با نوعی شبه‌مفهوم‌پردازی روبه‌رو هستیم که بیش از آن که لایه‌ها و ابعاد اساسی‌تر مسئلهٔ فقر فضایی/شهری را آشکار کند، بر آن‌ها نقاب می‌زند، زیرا نمی‌تواند مسئله را در تمامیتش مفهوم‌پردازی کند. مسئله بیشتر به سازوکارها، فرایندها، نیروها و گرایش‌هایی مربوط است که به بازتولید سیستماتیک فقر و نابرابری فضایی در مقیاس‌های مختلف - جهانی، منطقه‌ای، ملی و شهری - می‌انجامند. یک مفهوم‌پردازی واقعی، نمی‌تواند صرفاً به نتایج، پیامدها، نمودها و امور جزئی محدود بماند، بلکه مهم‌تر از آن، باید بتواند پیوند این امور جزئی را با امور کلی‌تر شرح دهد و برهم‌کنش میان آن‌ها را تصویر کند (ترکمه، ۱۳۹۷: ۲). با عنایت به رویکرد یادشده، چنانچه تمرکز بر شناسایی ریشه‌های اصلی و نیز فرایندهای زمینه‌ساز فقر نباشد، نمی‌توان به راهکارهای عملیاتی کاهش فقر و تضعیف چرخهٔ ویرانگر آن نائل آمد. براین اساس، مقاله حاضر در پی بررسی تحلیل رابطهٔ فقر و عدالت فضایی در نوار مرزی شمالی کشور است. از این رو، در قالب یک رویکرد تحلیلی، تبیین ارتباط عدالت فضایی و فقر، در استان‌های شمال کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیشینهٔ تحقیق

از جمله تحقیقاتی که در رابطه با عدالت فضایی انجام شده، می‌توان به مقالهٔ حاتمی‌نژاد و راستی (۱۳۸۵)، تحت عنوان «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسهٔ نظریات جان رالز و دیوید هاروی» اشاره کرد که به بررسی مفهوم عدالت در دو جنبهٔ اجتماعی و فضایی از نظر این دو دانشمند پرداخته و وجوه اشتراک و تمایز بین نظریات این دو دانشمند را بازگو کرده‌است.

گستره فقر شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی دامن می‌زند.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه به مبحث عدالت فضایی و حتی ارزیابی میزان عدالت فضایی در فضاهای مختلف به‌ویژه فضاهای شهری، پیوند و ارتباط میان بی‌عدالتی فضایی با فقر، در مقیاس استانی، صورت نگرفته است.

فرضیه پژوهشی

فرض اصلی مقاله حاضر این است که بی‌عدالتی فضایی با فقر دارای همبستگی است، به‌گونه‌ای که شاخص عدالت فضایی پایین بیانگر بالابودن شاخص فقر و محرومیت در فضاهای جغرافیایی است.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای اصلی این مقاله به‌صورت زیر صورت‌بندی شده‌اند:

- عدالت فضایی: در ارزیابی این متغیر از شاخص‌های هشت‌گانه عدالت فضایی استفاده شده که در قالب جدول (۱) ارائه شده است.

داداش‌پور و الوندی‌پور (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران» به واکاوی و آسیب‌شناسی حوزه نظری پژوهش‌های انجام‌شده در قلمروی میان‌رشته‌ای عدالت فضایی در مقیاس شهری ایران پرداخته و با مطالعه ۴۴ مقاله علمی-پژوهشی، با محوریت موضوعی عدالت فضایی در بازه زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴، چنین نتیجه می‌گیرد که پژوهش‌های انجام‌شده، به‌صورت فراگیری، تلقی سوسیالیستی از عدالت فضایی را مفروض گرفته‌اند؛ بنابراین در بیشتر پژوهش‌ها، رویکردی توزیعی از نوع برابری‌محور به بحث عدالت در شهر مورد توجه قرار گرفته و از توجه به ریشه‌های بی‌عدالتی در قالب عدالت ساختاری بازمانده‌اند.

قاسمی‌سیانی و حقی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی؛ مطالعه موردی: نسیم‌شهر تهران»، به بررسی رابطه عدالت فضایی با فقر شهری و گستره سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته و بیان می‌کند که بی‌عدالتی فضایی و توزیع ناعادلانه اعتبارات و تسهیلات بر

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های مؤثر در عدالت فضایی

ابعاد	شاخص‌ها
اقتصادی	سرانه درآمد نواحی شهری، سرانه درآمد نواحی روستایی، سرانه هزینه خانوار نواحی شهری، سرانه هزینه خانوار نواحی روستایی، سرانه خط فقر نواحی شهری، سرانه خط فقر نواحی روستایی، سرانه بیکاری نواحی شهری، سرانه بیکاری نواحی روستایی، سرانه اشتغال مردان نواحی شهری، سرانه اشتغال مردان نواحی روستایی، سرانه اشتغال کل، سرانه بودجه سالیانه، سرانه مصرف برق صنعتی در هر منطقه (کیلووات/ساعت)، سرانه کارگاه‌های ۵۰۰-۱۰۰ نفر کارکن، سرانه کارگاه‌های بیش از ۵۰۰ نفر کارکن، سرانه استفاده از اعتبارات بانکی، سرانه عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) استان‌ها، سرانه سرمایه‌گذاری (ارزش تغییرات اموال سرمایه‌ای) معادن در حال بهره‌برداری برحسب نوع اموال سرمایه‌ای، سرانه عملکرد اعتبارات هزینه‌ای (جاری) دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها از محل درآمد عمومی، سرانه فرودگاه‌های در اختیار شرکت فرودگاه‌ها و در حال بهره‌برداری.
کالبدی	سرانه مساحت کاربری فضای سبز، سرانه مساحت کاربری شبکه ارتباطی، سرانه مساحت کاربری فضای آموزشی، سرانه مساحت کاربری فضای ورزشی، سرانه مساحت کاربری فضای خدماتی-تجاری، سرانه مساحت کاربری فضای فرهنگی و مذهبی، سرانه طول جاده‌ها، سرانه آب لوله‌کشی شده در نواحی شهری، سرانه آب لوله‌کشی شده در نواحی روستایی، سرانه روستاهای برخوردار از راه آسفالت، سرانه روستاهای دارای طرح هادی، سرانه خطوط تلفن ثابت.
اجتماعی	امید به زندگی، شاخص مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، درصد شهرنشین، سرانه مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته، سرانه پرونده‌های قضایی مختومه، سرانه پرونده‌های قضایی مفتوحه، سرانه تورسیم.
آموزشی	سرانه تعداد مدارس در نواحی شهری، سرانه تعداد مدارس در نواحی روستایی، سرانه معلم در نواحی شهری، سرانه معلم در نواحی روستایی، سرانه معلمان لیسانس و بالاتر در مقطع ابتدایی در نواحی شهری، سرانه معلمان لیسانس و بالاتر در مقطع ابتدایی در نواحی روستایی، سرانه هیئت‌علمی، سرانه دانشجویان، سرانه دانشگاه‌ها، سرانه فارغ‌التحصیلان زن دانشگاهی، سرانه فارغ‌التحصیلان مرد دانشگاهی، سرانه فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی، سرانه مراکز ثابت سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، سرانه مدارس شبانه‌روزی در مقطع راهنمایی، سرانه مدارس شبانه‌روزی در مقطع دبیرستان.
فرهنگی	سرانه باسوادی کل جمعیت، سرانه باسوادی زنان نسبت به کل جمعیت زنان، سرانه باسوادی مردان نسبت به کل جمعیت مردان، سرانه باسوادی در مناطق شهری به تفکیک زن و مرد، سرانه باسوادی در مناطق روستایی به تفکیک زن و مرد، سرانه مراکز فرهنگی، سرانه صندلی سینما.
سیاسی	سرانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان‌ها، سرانه نمایندگان به جمعیت، سرانه احزاب رسمی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، سرانه وزرای چهار کابینه اخیر در دو دولت نسبت به جمعیت، سرانه سازمان‌های غیردولتی (NGO)، سرانه اعتراضات، سرانه حملات مسلحانه.
امنیتی	سرانه مجرمان در بند، سرانه قتل‌ها، سرانه تجاوز به عنف، سرانه گروگان‌گیری، سرانه آدم‌ربایی، سرانه مجرمان فراری، سرانه مجرمان مواد مخدر، سرانه معتادان به مواد مخدر، سرانه کشف مواد مخدر صنعتی و سنتی، سرانه مرگ و میر ناشی از خودکشی، سرانه مرگ و میر ناشی نزاع‌های خیابانی، سرانه مرگ و میر ناشی تصادفات جاده‌ای.
بهداشتی	سرانه بیمارستان، سرانه تخت بیمارستانی، سرانه پزشک عمومی، سرانه پزشک متخصص، سرانه روانپزشک، سرانه پرستار، سرانه ماما، سرانه آزمایشگاه، سرانه داروخانه، سرانه درمانگاه‌های شبانه‌روزی، سرانه میانگین سرعت خدمات اورژانس، سرانه روستاهای دارای مرکز بهداشت فعال، سرانه مراکز توانبخشی، سرانه برخورداری از خدمات بیمه تأمین اجتماعی.

مأخذ: قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷: ۹۶

بازتاب‌دادن آن در سیاست‌ها و نظام برنامه‌ریزی، به افزایش ضریب تأثیر آن کمک خواهد کرد. تفکر دربارهٔ فضا در سال‌های اخیر به‌طور معنی‌داری، از تأکید بر نقشه‌کشی یکنواخت که فضا را ظرف فعالیت‌های انسانی می‌دید یا اینکه صرفاً ابعاد فیزیکی فضا را در فرم‌های ثابت در نظر می‌گرفت، به سمت یک نیروی فعال و بنیادی در شکل‌دهی به زندگی شهروندان تغییر جهت داده است. عدالت و بی‌عدالتی بر جنبه‌های جغرافیایی یا فضایی (بی) عدالتی تأکید دارد و به‌عنوان نقطهٔ شروع، شامل توزیع منصفانه و مساوی منابع و فرصت‌ها در فضای جغرافیای است. فضای جغرافیایی، فضایی با اجزاء و ابعاد متعدد و مختلف به همراه شبکه‌ای فوق‌پیچیده از روابط میان

- فقر: در ارزیابی این متغیر از شاخص‌های اقتصادی (نسبت اشتغال، نرخ بیکاری، درآمد خانوار، قدرت پس‌انداز خانوار، سرانه پس‌انداز بانکی در هر استان، سهم استان از تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، رتبهٔ استان در شاخص توسعهٔ زیربنایی و اجتماعی و رتبهٔ استان در شاخص محرومیت استفاده شده است.

مبانی نظری

عدالت فضایی

فضا یک بُعد اساسی و بنیادی در جامعهٔ انسانی است و عدالت اجتماعی با جاری شدن در فضا عینیت می‌یابد. درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت فضایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و

نئومارکسیستی به عدالت در فضای جغرافیایی پرداخت (د/د/ش پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶) و در دهه‌های بعد توسط محققانی از جمله رالز^۱، ساندرکاک^۲، یونگ^۳، سوجا^۴، لوسی^۵ و تالن^۶ در برنامه‌ریزی جغرافیایی شهر مورد توجه قرار گرفت (رستمی، ۱۳۹۰: ۲۸). اندیشمندان پیرو مکتب لیبرال نیز، در تعریف عدالت فضایی بیشتر بر استحقاق و شایستگی (اصل تفاوت) و آزادی فردی تأکید کرده (Prange, 2009: 16) و در نقطه مقابل، اندیشمندان پیرو مکتب سوسیالیسم، بر نیاز و برابری در توزیع و تولید و لزوم برقراری عدالت در فضاهای جغرافیایی تأکید دارند (Young, 2000: 422).

منظور از بی‌عدالتی فضایی، توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضا است. نابرابری‌های فضایی می‌تواند شامل نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد. نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیاید، عدم استفاده بهینه از فضا زمینه‌ساز تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم کند، باعث تضعیف انسجام ملی و جامعه شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد، زمینه‌ساز مهاجرت‌های بی‌رویه شده و توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیرممکن می‌سازد. به‌طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین نابرابری به اساس وحدت ملی آسیب می‌رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبه‌رو می‌سازد. میلبراث^۷ و گوئل^۸ (۱۹۷۷)، سالیسبوری^۹ (۱۹۷۵)، منوال^۱، لایلی^۲ و ناگلر^۳ (۱۹۹۲) از جمله

این اجزا است (Mazur & Urbanek, 2014: 139). عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) با شاخص‌های متناظر توسعه در سطح ملی (حافظنیا، قادری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). رویکرد عدالت فضایی، به تعیین عادلانه یا ناعادلانه بودن رویداد خاصی کمک نمی‌کند، بلکه به بررسی فرایندهای پویایی از تشکلهای اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی، بدین‌منظور که آیا عملکرد آن‌ها برای تولید و بازتولید بی‌عدالتی است یا عدالت، می‌پردازد. در واقع تمرکز اصلی رویکرد عدالت فضایی بر شناسایی و تبیین عوامل و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، که این بی‌عدالتی‌ها به منزله فرم نهایی آن محسوب می‌شوند، قرار دارد. جذابیت‌های موجود برای ایجاد یک جامعه عادل به‌طور نیرومندی، محل تجمع مجدد طیف گسترده‌ای از جنبش‌های عدالت اجتماعی چون، عدالت اقتصادی، عدالت نژادی، عدالت محیطی، عدالت جهانی و... شده که با یکدیگر عدالت را هم در بُعد مادی (سیاست‌های باز توزیعی) و هم در بُعد غیرمادی (آزادی، خرسندی، رضایت، فرصت، امنیت و...) مطرح می‌کنند. درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی (جغرافیایی)، مشروط به درک رابطه متقابل سیاست و فضا و مکانیسم پویای آن‌هاست. این مکانیسم متقابل زمینه‌ساز مطرح‌شدن و فلسفه طرح عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی است. در جغرافیای سیاسی مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خارج شده و به سطح عینی می‌رسد و به عبارتی دیگر مفهوم عدالت عملیاتی می‌شود. در دهه ۱۹۷۰، مفهوم عدالت فضایی در توزیع منابع و خدمات، اولین بار توسط دیوید هاروی مطرح شد و از دیدگاه

1-Rawls

2-Sunder kak

3-Young

4-Sogah

5-Lusy

6-Tallen

7-Milbruth

8-Guelle

9-Salisbury

را در مقایسه با سطح زندگی متعارف جامعه برآورد و محاسبه کرد. در ارزیابی آماری روند فقر، می‌توان به یک الگوی مشخص دست یافت، اما جابه‌جایی گروه‌های اجتماعی و بالا و پایین‌شدن خط فقر نمی‌تواند قانونمندی مشخصی را به دست بدهد و تنها تحت تأثیر سیاست‌های گذار و عوامل تصادفی قرار می‌گیرند (رئیس دانا، ۱۳۸۴: ۵۴).

فقر و محرومیت در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و ... می‌تواند به وجود آید. از جمله ویژگی‌های شایع در مناطق محروم می‌توان به سطح مهارت بسیار پایین، درآمد کم، آمار بالای جرم و جنایت، سطح سواد پایین، نرخ بالای بیکاری و ... اشاره کرد (McGuinness, 2018: 4).

ارتباط فقر و عدالت فضایی

در مناطقی که فقر و نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... به عبارتی بی‌عدالتی فضایی وجود دارد، رضایت خاطر شهروندان کاهش می‌یابد (براهیم‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). شهروندانی که در محرومیت و فقر به سر برده و احساس بی‌عدالتی فضایی دارند، انگیزه و رغبت خود برای مشارکت سیاسی را از دست می‌دهند (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۵). این پدیده در سراسر جهان با شدت و ضعف مختلف وجود دارد. فقر در نقطه مقابل عدالت اجتماعی قرار دارد. سرآغاز عدالت اجتماعی ریشه در عدالت فضایی و محیطی دارد. تحقق عدالت اجتماعی در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی می‌کند (یعفوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

از نقطه نظر جغرافیایی، عدالت اجتماعی مترادف با توزیع عادلانه امکانات و خدمات بین مناطق مختلف و دستیابی برابر شهروندان به آن‌ها است؛ زیرا عدم توزیع عادلانه آن‌ها به بحران‌های اجتماعی نظیر

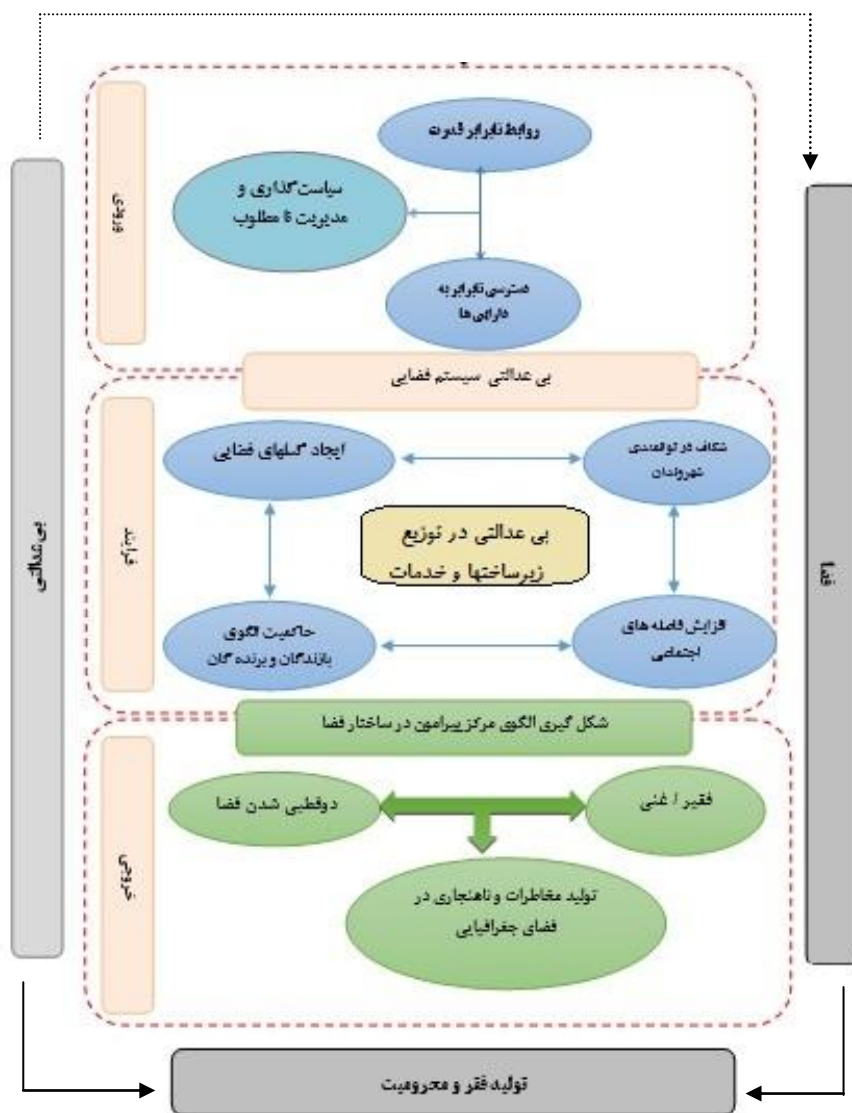
نظریه پردازانی هستند که عدالت فضایی در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر اشتغال و بیکاری، فقر و رفاه، توسعه اقتصادی، میزان شهری‌شدن، نابرابری اجتماعی، تجانس اجتماعی، تحرک جمعیتی، نوع مذهب، رقابت سیاسی، ارتباطات و ... را بر مشارکت سیاسی فضاها جغرافیایی مختلف مؤثر می‌دانند (معمار، ۱۳۹۱: ۵).

فقر و محرومیت

فقر عبارت از ناتوانی انسان در فراهم آوردن نیازهای بنیادی خود در جهت رسیدن به یک زندگی آبرومندانه و شایسته است. این تعریف به مفهوم عبارت (آبرومندانه و شایسته) بستگی دارد، زیرا این مفهوم را فقط می‌توان در قالب قضاوت‌های فردی و محیطی شناسایی کرد و تردیدی نیست که در هر اجتماع و از هر دیدگاه تعریف متفاوتی از آن را می‌توان ارائه داد (World Bank, 2018: 19). این تعریف برداشتی کلی از مفهوم فقر را به دست می‌دهد. لیکن فقر را می‌توان از دو دیدگاه مطلق و نسبی مورد ارزیابی قرار داد. تحقیقات رونتری^۴، پایه اصلی بررسی‌های فقر مطلق را نشان می‌دهد. تعریف او از فقر مطلق عبارت است از: «خانوارهای مبتلا به فقر اولیه آن قدر درآمد ندارند که بتوانند حداقل نیازهای تغذیه را برحسب ارزان‌ترین انواع مواد انرژی‌زا تأمین نمایند.» یکی از معروف‌ترین محققان فقر نسبی، تاون سند^۵ است. او به نقش افراد در درون اجتماع و به ارتباط بین آن‌ها و سایرین اهمیت می‌داد. به گفته او، افراد در صورتی فقیر شمرده می‌شوند که نتوانند در زندگی مشترک جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مشارکت داشته باشند (Tweedia & Hagan, 2018: 1). با این تعریف در هر جامعه با در نظر گرفتن معیارهای متفاوت می‌توان فقر را تعریف کرد و پایین بودن نسبی سطح زندگی مردم

بی عدالتی فضایی و بازتولید فقر را می‌توان در قالب مدل شماره (۱) به نمایش گذاشت:

شکاف طبقاتی، فقر و نابودی سرمایه اجتماعی (که پشتوانه‌ای برای اقتدار حکومت است) و مشکلات پیچیده فضایی می‌انجامد (شریفی، ۱۳۸۵: ۶). ارتباط



مدل ۱: بی‌عدالتی فضایی و تولید فقر در فضا

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

معرفی محدوده مورد مطالعه

۱- محیط‌شناسی

محدوده مورد مطالعه این تحقیق، عبارت است از استان‌های شمالی کشور که شامل: خراسان شمالی،

گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی که از شمال شرقی تا شمال غربی کشور را در بر گرفته‌اند.



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

۲- بافت قومی - مذهبی

استان‌های شمالی کشور به لحاظ بافت قومی و مذهبی، از تنوع گسترده‌ای برخوردارند که در ادامه به معرفی مجزای هریک می‌پردازیم.

در استان خراسان شمالی، علاوه بر فارس‌های شیعه، به‌طور مشخص پنج قوم کرد (کرمانج)، ترک، ترکمن، تات و بلوچ با دو مذهب شیعه اثنی‌عشری و اهل سنت حنفی زندگی می‌کنند که کرمانج‌ها با ۵۵٫۶۲ درصد از جمعیت کل آبادی‌ها، بیشترین نسبت را به‌خود اختصاص داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰؛ به نقل از جعفری، ۱۳۹۴: ۷).

در استان گلستان اقوام مختلفی شامل فارس‌ها (استرآبادی‌ها، مازندرانی‌ها، کتولی‌ها، سیستانی‌ها و...)، ترکمن‌ها و سایر قومیت‌ها (ترک، کرد، بلوچ، قزاق و...)

زندگی می‌کنند. اکثریت جمعیت استان اهل تشیع و اقلیت را اهل تسنن تشکیل می‌دهند. همچنین گروه اندکی پیرو سایر ادیان و فرق هستند. اهل تشیع را گروه‌های فارس، سیستانی، ترک، کرد و... و اهل تسنن را نیز گروه‌های ترکمن، بلوچ و قزاق تشکیل می‌دهند (مدیری و عباسی‌سمنانی، ۱۳۹۳: ۴). در استان مازندران تنوع قومی و مذهبی چندانی وجود ندارد. مردم این استان به زبان مازنی، تبری و فارسی سخن می‌گویند و مذهب شیعه دارند (یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

در استان گیلان اقوام مختلفی از جمله گیلک در جنوب استان و تالش در غرب استان زندگی می‌کنند. همچنین مردم گالش و کرد کرمانج در رودبار زندگی می‌کنند (مرکز مطالعاتی تبریز، ۱۳۹۵: ۶). هر چند مذهب

آذری‌ها در ایران بزرگ‌ترین گروه اقلیت بوده و بیشترین التقاط و پراکندگی در میان سایر اقوام و استان‌های کشور به‌ویژه استان‌های تهران و قم را دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

۳- جمعیت‌شناسی

طبق نتایج به‌دست آمده از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، جمعیت استان‌های مورد مطالعه به قرار جدول زیر است:

در گیلان به تبعه کل کشور شیعه اثنی‌عشری است، اما سه شهرستان رضوان‌شهر، تالش و آستارا به‌ترتیب حائز بیشترین جمعیت اهل سنت هستند و تعداد معدودی از ساکنین استان گیلان مستقر در رشت و بندر انزلی دارای ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی‌اند (www.gilan.ir). بافت قومی در سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی تقریباً یکسان است. در این استان‌ها اکثریت جمعیت با قوم آذری و مذهب شیعه است. در بخش‌هایی از جنوب استان آذربایجان غربی قوم کرد با مذهب سنی ساکن هستند (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۰).

جدول ۲: جمعیت‌شناسی محدوده مورد مطالعه

نام استان	جمعیت ۱۳۹۵	سهم استان از جمعیت کشور- ۱۳۹۵ (درصد)	سهم استان از مساحت کشور (درصد)	نرخ رشد سالیانه (درصد)	توزیع نسبی جمعیت ۱۳۹۵ (درصد)	تراکم نسبی جمعیت ۱۳۹۵	درصد شهرنشینی	درصد روستائینی
خراسان شمالی	۸۶۳۰۹۲	۱,۰۸	۲	-۰,۱۱	۱,۰۸	۳۰,۴	۵۶,۲۰	۴۳,۸۰
گلستان	۱۸۶۸۸۱۹	۲,۳۳۴	۱	۱,۰۱	۲,۳۴	۹۱,۸	۵۳,۳۲	۴۶,۶۸
مازندران	۳۲۸۳۵۸۲	۴,۱۱	۲	۱,۳۳	۴,۱۱	۱۳۷,۷	۵۷,۷۸	۴۲,۲۲
گیلان	۲۵۳۰۶۹۶	۳,۱۷	۱	۰,۴۰	۳,۱۷	۱۸۰,۲	۶۳,۳۴	۳۶,۶۶
اردبیل	۱۲۷۰۴۲۰	۱,۵۹	۱	۰,۳۵	۱,۵۹	۷۱,۴	۶۸,۱۸	۳۱,۸۲
آذربایجان شرقی	۳۹۰۹۶۵۲	۴,۸۹	۳	۰,۹۷	۴,۸۹	۸۵,۶	۷۱,۸۶	۲۸,۱۴
آذربایجان غربی	۳۲۶۵۲۱۹	۴,۰۹	۲	۱,۱۷	۴,۰۹	۸۷,۳	۶۵,۴۲	۳۴,۵۸

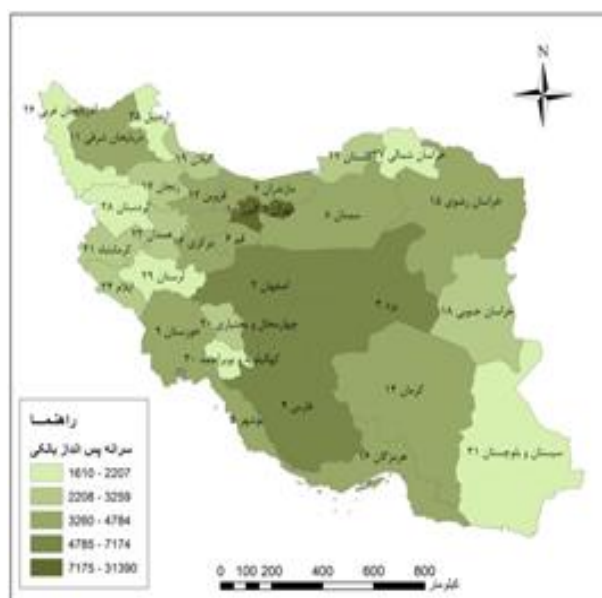
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶، ۱۳ و ۲۱ و ۲۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

۴- شاخص‌های اقتصادی

جدول ۳: شاخص‌های اقتصادی محدوده مورد مطالعه

استان	نسبت اشتغال	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت اقتصادی	درآمد خانوار (هزار ریال)	قدرت پس‌انداز خانوار (درصد)	احتساب نفت (درصد)	سهم ناخالص داخلی کشور با احتساب نفت (درصد)	سهم استان از تولید ناخالص ملی (درصد)	ضریب جینی روستایی ۱۳۹۳	ضریب جینی شهری ۱۳۹۳
کل کشور	۳۷,۵	۱۲,۳	۴۲,۷	۴۹۴۰۷۶	۱۰,۵۹۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰,۳۴۰۹	۰,۳۴۰۹
خراسان شمالی	۴۱,۵	۱۳,۸	۴۸,۲	۴۱۵۸۳۹	۱۳,۶۹۷	۰,۶۹۲	۰,۶۹۲	۰,۵	۰,۳۴۱۰	۰,۳۴۱۰
گلستان	۳۶,۶	۱۲,۲	۴۱,۶	۴۱۶۳۵۱	۱۸,۴۰۴	۱,۳۵۷	۱,۳۵۷	۱,۲۸	۰,۳۲۸۵	۰,۳۲۷۱۴
مازندران	۳۷,۴	۱۳,۲	۴۳,۱	۶۶۱۱۶۲	۲۲,۱۵۲	۳,۷۲۴	۳,۷۲۴	۱,۰۲	۰,۲۹۹۴	۰,۲۸۳۷
گیلان	۳۸,۴	۱۲,۴	۴۳,۹	۵۲۲۹۴۰	۲۱,۶۹۹	۲,۴۲۱	۲,۴۲۱	۲,۳	۰,۳۲۳۲	۰,۳۲۱۵
اردبیل	۳۹,۸	۱۵,۶	۴۷,۲	۴۰۳۴۰۴	۱۱,۰۹۲	۱,۰۶۴	۱,۰۶۴	۱,۱۳	۰,۲۸۷۲	۰,۲۵۸۹
آذربایجان. ش	۳۸	۱۳,۲	۴۳,۸	۵۴۰۴۱۸	۱۸,۱۶۸	۳,۷۲۴	۳,۷۲۴	۵,۳	۰,۳۵۴۸	۰,۲۹۸۴
آذربایجان. غ	۳۸,۷	۱۱,۳	۴۳,۷	۳۶۸۹۰۲	۱۱,۲۳۷	۲,۲۶۱	۲,۲۶۱	۲,۱	۰,۲۶۷۱	۰,۳۱۳۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، ۲۶ و مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶، ۱۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴، ۹



نقشه ۲: توزیع فضایی اعتبارات بانکی در کشور

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

افزایش نابرابری و ایجاد فرصت‌های اقتصادی بیشتر در مناطق مرکزی، انگیزه اقتصادی برای کوچ عظیم نیروی کار از مناطق پیرامونی را فراهم آورده است. ناهمگونی درآمد از یکسو و مهاجرت از سوی دیگر، زمینه افزایش اختلاف اندازه بازار در مناطق مرکزی ایران و مناطق پیرامونی شده است. کاستی یا نبود زیرساخت‌ها در مقایسه با مناطق مرکزی، زمینه افزایش هزینه‌های تولید در مناطق پیرامون می‌شود. متأثر از رویکرد سودمحوری حاکم بر نظام برنامه‌ریزی ایران که اصالت را نه به انسان، بلکه به بهره‌وری اقتصادی داده است، در نتیجه حرکت سرمایه به سمتی که نرخ سود و سرمایه در آن بیشتر باشد، عقلانی و مفید تشخیص داده می‌شود.

پیامد این رویکرد سرمایه‌دارانه به فضا در طولانی‌مدت، انباشت منابع مالی در نقاط محدود و تخلیه سرمایه مناطق پیرامونی است. در چنین ساختاری مناطق جذاب سرمایه متمرکزتر و مناطق حاشیه‌ای نحیف‌تر از قبل می‌شوند.

اگرچه پس‌انداز بانکی به‌خودی خود گویای وضعیت خاص اقتصادی مناطق است و استفاده از آن برای تحلیل رابطه عدالت و بی‌عدالتی فضایی و تولید فقر می‌تواند در این چارچوب مدنظر قرار گیرد که به‌واسطه تراکم منابع مالی بیشتر در استان‌های مرکزی به‌ویژه در تهران در قیاس با سایر استان‌های کشور زمینه‌های جذب جمعیت و فعالیت در استان یاد شده بیش از سایر نقاط کشور در دوره تاریخ مدرن ایران فراهم بوده است. استان تهران براساس آخرین تقسیمات کشوری، ۱۵٫۱ درصد مساحت کشور و بیش از ۱۶ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است، در حالی که استان‌های پهناوری همچون کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی که ۲۸ درصد از کل مساحت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، تنها ۸ درصد از جمعیت کل کشور را در خود جای داده‌اند. بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۹۴، در ۶ استان متمرکز بوده است و ۵۰ درصد باقی‌مانده بین ۲۵ استان تقسیم شده است.



مدل ۲: بی‌عدالتی فضایی و چرخهٔ بازتولید فقر در فضا

تهیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

مواد و روش انجام تحقیق

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای سعی در تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی در مرز شمالی کشور را دارد. هفت استان خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به‌عنوان استان‌های شمالی کشور مورد توجه واقع شده‌اند.

در حال حاضر الگوی توزیع منابع و قطب‌های صنعتی کشور با محوریت تهران و مشارکت مؤثر (اصفهان، یزد، کرمان، سمنان و مرکزی) از یک نوع عدم تعادل بیمارگونه رنج می‌برد و با توجه به همپوشانی شرایط مزبور بر الگوی فضایی ملت در کشور (هستهٔ مرکزی در برگیرندهٔ مؤلفه‌هایی چون ایرانی‌بودن، شیعه‌بودن و فارس‌بودن) و پیرامون متفاوت، مولد گسل‌های فضایی توسعه و تشدید آن‌ها خواهد شد. براساس گزارش‌های بانک مرکزی در اردیبهشت ۱۳۹۷ کل مانده سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۷ بالغ بر ۱۶۸۳ هزار میلیارد تومان بوده که استان تهران با ۹۴۶ هزار میلیارد تومان ۵۶٫۱ درصد از سپرده‌های بانکی کل کشور را به خود اختصاص داده‌است؛ استان‌های اصفهان با ۹۰ هزار میلیارد و خراسان رضوی با ۷۷ هزار میلیارد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سوی دیگر این دسته‌بندی، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۴٫۵ هزار میلیارد تومان، ایلام با ۵٫۵ هزار میلیارد تومان و خراسان شمالی با ۶ هزار میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. حاکمیت چنین شرایطی از یک سو تولیدکنندهٔ مخاطرات در زمینهٔ همگرایی ملی و از سوی دیگر تضعیف‌کنندهٔ استعدادهای منطقه‌ای است که ارتباط مؤثر نواحی و چرخه هم تکمیلی مناطق را مختل و دور باطل تولید فقر و محرومیت را تقویت می‌کند که این امر در قالب مدل زیر به نمایش درآمده است:

یافته‌های تحقیق

جدول ۴: فقر و محرومیت در استان‌های مورد مطالعه

استان	رتبه استان در میانگین درآمد خانوار	رتبه استان در میانگین هزینه خانوار	رتبه استان در شاخص توسعه زیربنایی و اجتماعی ^۱	رتبه در شاخص محرومیت ^۲
خراسان شمالی	۲۲	۲۴	۱۵	۴
گلستان	۱۵	۲۳	۷	۳
مازندران	۳	۱۲	۸	۲
گیلان	۱۴	۱۰	۵	۳
اردبیل	۱۲	۶	۲۳	۳
آذربایجان شرقی	۱۹	۱۱	۶	۲
آذربایجان غربی	۲۵	۱۶	۲۲	۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۶۱

وضعیت عدالت فضایی در ایران و جایگاه استان‌های منتخب^۳

نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. در نتیجه این سیاست، تعداد معدودی از مناطق نقش کلیدی داشته و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل می‌کنند (حافظنیا و قادری حاجت، ۱۳۹۴: ۵۲-۳۳). در ادامه و در قالب جداول زیر وضعیت عدالت فضایی در ایران و استان‌های منتخب به منظور درک روشن‌تر موضوع ارائه می‌شود.

خاستگاه بسیاری از بحران‌ها در سطوح ملی و محلی، بی‌توجهی به مقوله عدالت فضایی/جغرافیایی در کشورهای مختلف به‌ویژه جهان سوم است. تمرکز شدید و عدم تعادل فضایی از جمله ویژگی‌های کشورهای جهان سوم است که این ویژگی معلول

جدول ۶: وضعیت استان‌های منتخب در عامل‌های هشت‌گانه عدالت فضایی

استان‌ها/عامل‌ها	عامل آموزشی	عامل اجتماعی	عامل اقتصادی	عامل امنیتی	عامل بهداشتی	عامل سیاسی	عامل کالبدی	عامل فرهنگی	عدالت فضایی
خ شمالی	۰,۰۲۰۳۶۸۴۹	۰,۳۲۰۵۲۱۹۹۴	۰,۵۹۳۸۷۰۰۳۵	۰,۹۰۸۸۰۰۲۶۴	۰,۱۰۲۹۲۲۴۹۷	۰,۰۶۴۱۲۲۳۳۳	۰,۰۷۷۲۴۰۷۹۱	۰,۱۷۴۱۱۵۱۶۶	۰,۳۱۳۰۲۷۳۶
گلستان	۰,۰۲۱۵۹۴۸۱۹	۰,۳۴۷۶۶۳۰۳۸	۰,۴۹۷۵۰۹۵۳۳	۰,۸۰۷۹۰۰۳۴	۰,۰۸۴۷۹۹۲	۰,۱۳۳۷۱	۰,۰۷۱۵۱۸۶۶۱	۰,۱۷۶۹۸۶۷۱۴	۰,۳۲۵۵۰۶۶۵
مازندران	۰,۰۲۴۸۵۰۴۴۳	۰,۳۹۹۹۹۱۷۹۴	۰,۴۸۳۳۳۷۷۹۵	۰,۸۱۱۳۴۵۲۶۳	۰,۱۰۳۲۷۴۵۰۲	۰,۱۷۸۲۶۴۳۳۳	۰,۱۲۴۱۸۳۷۵۶	۰,۱۹۰۲۳۵۴۹۲	۰,۳۳۹۶۷۹۸۲
گیلان	۰,۰۱۸۱۶۳۸۳۷	۰,۴۰۰۳۱۴۳۸۶	۰,۴۸۲۶۹۵۸۶۳	۰,۸۰۷۷۳۹۶۷۱	۰,۱۰۴۷۰۰۷۵۵	۰,۰۹۹۷۸۸	۰,۰۷۸۷۸۱۸۳	۰,۱۸۶۷۲۴۹۸۷	۰,۳۳۰۶۳۱۶۹
اردبیل	۰,۰۲۳۱۴۰۷۴۳	۰,۳۹۱۵۵۵۶۰۹	۰,۵۴۶۰۷۸۹۹۱	۰,۸۹۵۰۳۷۴۸	۰,۰۸۲۵۴۲۷۷۶	۰,۲۰۱۶۹	۰,۱۲۹۵۸۳۸۷۸	۰,۱۷۶۸۷۴۴۱۱	۰,۳۱۳۰۰۹۲۷
آذ. شرقی	۰,۰۳۹۷۸۶۶۶۴	۰,۳۵۲۴۳۹۵۰۷	۰,۴۶۳۸۰۰۳۶۷	۰,۸۶۳۶۶۵۲۴۳	۰,۱۰۵۶۹۱۵۸۱	۰,۱۶۵۸۵۶	۰,۰۷۰۱۳۵۸۷	۰,۱۸۸۴۴۴۴۷۹	۰,۳۳۵۲۹۳۶۸
آذ. غربی	۰,۰۲۸۹۲۲۳۳۷	۰,۳۴۳۵۱۸۵۹۹	۰,۴۵۰۰۹۱۷۷۱	۰,۸۸۵۶۷۴۴۵۷	۰,۰۹۵۲۹۱۴۵۳	۰,۱۲۱۸۹۹	۰,۰۵۸۸۳۰۰۸۶	۰,۱۸۱۶۳۸۱۴۶	۰,۳۲۸۷۲۴۳۶
میانگین استانی	۰,۰۲۵۲۶۱	۰,۳۶۵۱۴۳۵۶۱	۰,۵۰۲۴۸۳۴۷۹	۰,۸۵۴۳۰۹	۰,۰۹۷۰۳۱۸۲۳	۰,۱۳۷۹۰۴	۰,۰۹۰۰۲۳۱۶۷	۰,۱۸۲۱۴۵۶۲۸	۰,۳۴۰۳۸۹۶۷
میانگین ملی	۰,۰۲۷۹۵۸	۰,۳۵۳۲۰۱	۰,۵۳۱۳۷۵	۰,۸۶۰۸۲۹	۰,۰۹۸۶۴۵	۰,۱۴۳۶۹۱	۰,۰۸۵۰۴۴	۰,۱۸۳۷۳۶	۰,۳۴۶۸۴۷۳۲۶
تفاوت با میانگین ملی	-۰,۰۰۲۷	۰,۰۱۱۹۴۳	-۰,۰۲۸۸۹	-۰,۰۰۶۵۲	-۰,۰۰۱۶۱	-۰,۰۰۵۷۹	۰,۰۰۴۹۷۹	-۰,۰۰۱۵۹	-۰,۰۰۶۰۰۸۳۵

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷

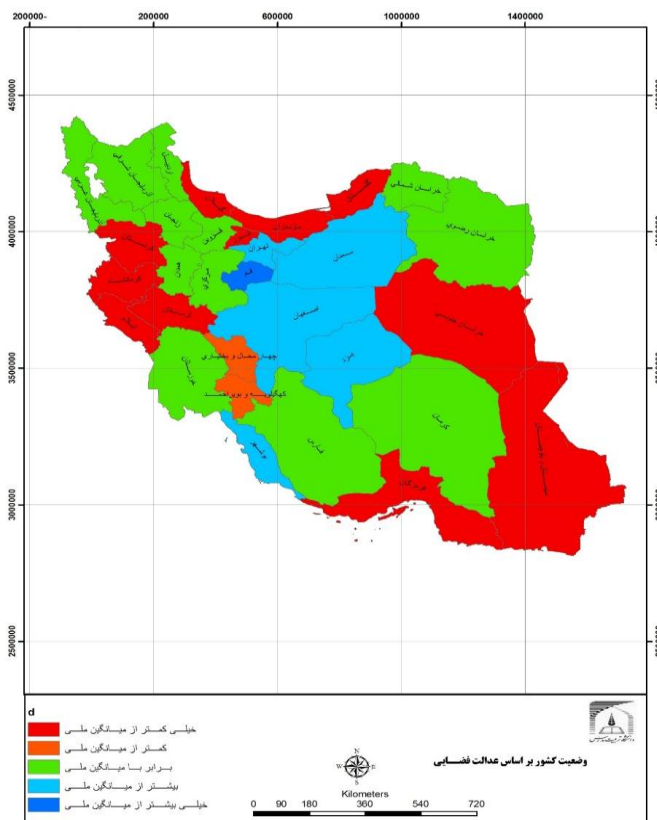
۱- رتبه ۱ نشان‌دهنده توسعه‌یافته‌ترین استان در شاخص توسعه زیربنایی و اجتماعی است.

۲- رتبه ۱ نشان‌دهنده توسعه‌یافته‌ترین و رتبه ۴ نشان‌دهنده محروم‌ترین استان‌هاست.

۳- برای درک روشن‌تر وضعیت عدالت فضایی در ایران مراجعه شود به: رساله دکتری قادری حاجت، دفاع‌شده در سال ۱۳۹۳ به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظنیا در دانشگاه تربیت‌مدرس، با عنوان «طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی در کشورها، مطالعه موردی: ایران».

شاخص عدالت فضایی برابر با میانگین ملی قرار دارد و استان‌های گلستان، مازندران و گیلان در شاخص عدالت فضایی از میانگین ملی خیلی کمتر هستند.

آنچه از جدول و نمودار فوق بر می‌آید حاکی از این امر است که در بین استان‌های منتخب، استان‌های خراسان شمالی، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در



نقشه ۳: وضعیت ایران براساس شاخص عدالت فضایی

تهیه و ترسیم: قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷

عرصه‌های مختلف دید که به شکل‌گیری الگوی نامتوازن قدرت و نابرابری منجر می‌شود. با شکل‌گیری الگوی نامتوازن قدرت، پیشرفت و توسعه نیز قطبی شده و دوگانگی‌های جوامع افزایش پیدا می‌کند و بی‌عدالتی فضایی به‌عنوان نتیجه قطعی فرایند فوق شکل می‌گیرد. با نهادینه‌شدن بی‌عدالتی فضایی شکاف‌های جوامع پررنگ‌تر شده و فاصله‌های عینی و ذهنی ساکنان فضای جغرافیایی از هم بیشتر می‌شود. این امر منجر به افزایش نارضایتی‌ها و بالارفتن پتانسیل اعتراض به وضعیت موجود شده و کشورها را با آنا‌رشی فضایی روبه‌رو می‌سازد. وجود شکاف و نابرابری در

از آنجایی که بی‌عدالتی فضایی را می‌توان انباشت نابرابری‌ها در مؤلفه‌های ارزشمند قدرت، ثروت و فرصت در فضاها و مقیاس‌های مختلف دانست، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که یکی از دلایل بی‌عدالتی فضایی حاکم بر نواحی ساحلی شمال کشور، نابرابری در دستیابی به مؤلفه‌های قدرت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، آموزشی، بهداشتی، سیاسی و امنیتی در فضا است. بی‌عدالتی فضایی موجب تقسیم نابرابر منابع در سطح مختلف فضاهای جغرافیایی می‌شود که وجه عمده آن را می‌توان در عدم دسترسی بهینه و برابر در تمام سکنه و شهروندان به فرصت‌های برابر در

توسعه همواره سبب ناخرسندی و ناآرامی و ناامنی است و چنین شرایطی نمی‌تواند موجب همبستگی ملی باشد، زیرا ساکنان نواحی جغرافیایی ناهمگن از تغییر وفاداری محلی و ناحیه‌ای به وفاداری ملی سودی نمی‌برند؛ بنابراین به دشواری حاضرند به این همبستگی ملی تن در دهند. پس می‌توان ادعا کرد که رفتار فضایی مناطق و فضاها عکس‌العمل طبیعی نواحی یادشده به سیاست‌های اعمال‌شده از جانب سیستم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است.

نتیجه

بی‌عدالتی فضایی با تقسیم ناعادلانه فرصت‌ها و امکانات در فضاهای جغرافیایی مختلف موجب دسترسی نابرابر شهروندان به فرصت‌ها و شکل‌گیری شکاف طبقاتی، فقر و محرومیت در فضاهای جغرافیایی مختلف می‌شود. مطالعه استان‌های منتخب این پژوهش در نوار شمالی کشور نشان می‌دهد که استان‌های خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در زمینه شاخص‌های هشت‌گانه عدالت فضایی (آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، سیاسی، امنیتی و بهداشتی) وضعیت نامطلوبی داشته و حتی از میانگین ملی نیز ضعیف‌تر هستند. دسترسی ضعیف شهروندان به امکانات و فرصت‌های مختلف در این استان‌ها موجب شکل‌گیری فقر و گسترش محرومیت در این استان‌ها شده‌است. در این رابطه، طبق نقشه شماره ۴، به غیر از استان مازندران و آذربایجان شرقی که از لحاظ سرانه سپرده‌های بانکی به ترتیب رتبه ۷ و ۱۱ را دارند، سایر استان‌های نوار مرز شمالی کشور از میانگین سپرده‌های بانکی کشور ضعیف‌تر بوده و از بین ۳۱ استان رتبه‌های بین ۱۹ تا ۲۷ را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی وضعیت استان‌های مورد نظر در شاخص‌های فقر (نسبت اشتغال، نرخ بیکاری، درآمد خانوار، قدرت پس‌انداز خانوار، سرانه پس‌انداز بانکی در هر استان،

سهم استان از تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، رتبه استان در شاخص توسعه زیربنایی و اجتماعی و رتبه استان در شاخص محرومیت) و همچنین نقشه شماره ۲، استان خراسان شمالی جزو فقیرترین استان‌های کشور است. پس از آن استان‌های گلستان، گیلان و اردبیل به لحاظ شاخص فقر و محرومیت در رتبه بعدی قرار دارند. استان‌های مازندران، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در مقایسه با استان‌های پیش‌گفته وضعیت مطلوب‌تری داشته و در رتبه دوم فقر و محرومیت قرار دارند. همچنین، میانگین شاخص عدالت فضایی در بین این استان‌ها برابر با ۰,۳۴۰ بوده که از میانگین ملی (۰,۳۴۷) پایین‌تر است و براساس این شاخص استان‌های خراسان شمالی (۰,۳۱۳)، اردبیل (۰,۳۱۳)، گلستان (۰,۳۲۵)، آذربایجان غربی (۰,۳۲۹)، گیلان (۰,۳۳۱)، آذربایجان شرقی (۰,۳۳۵)، مازندران (۰,۳۴۰)، به ترتیب کمترین تا بیشترین عدالت فضایی را دارند. مقایسه وضعیت استان‌های مورد مطالعه در شاخص فقر و محرومیت با وضعیت آن‌ها به لحاظ شاخص عدالت فضایی نشان داد که هر قدر استان عدالت فضایی کمتری داشته باشد، فقر و محرومیت بیشتری دارد.

پیشنهادها

- ۱- تکیه بر بنیان‌های محلی تولید: گردشگری سودآور، توریسم، صنایع‌دستی، توسعه پتانسیل کشاورزی منطقه و...
- ۲- هزینه‌کرد درآمدهای نواحی مرز شمالی کشور در منطقه محلی.
- ۳- تقویت بنیان‌های تاب‌آوری نواحی در جوامع روستایی با توجه به بنیان‌های موجود.
- ۴- تغییر سیاست‌های دولت در تخصیص بودجه به نواحی مختلف و جلوگیری از پیشرفت تمرکز شدید در برنامه‌های دولت.

منابع

- ابراهیم‌پور، داوود؛ عزیز جوانپور؛ وحید حسینی‌اصل (۱۳۹۴). رابطه عدالت فضایی ادراک‌شده با میزان مشارکت شهروندان در توسعه‌یافتگی شهر تبریز، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری. سال پنجم، شماره ۱۶. صفحات ۱۴۲-۱۱۹.
- احمدی‌پور، زهرا؛ طهمورث حیدری‌موسلو؛ طیبه حیدری‌موسلو (۱۳۸۹). تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار، فصلنامه انتظام اجتماعی. دوره ۲، شماره ۱. بهار و تابستان. صفحات ۶۲-۳۵.
- بانک مرکزی ایران (۱۳۹۲). به نقل از: www.cbi.ir
- بیگدلو، مهدی؛ محسن مرادیان (۱۳۹۱). ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: مشارکت در انتخابات)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان. سال اول. شماره ۳. صفحات ۱۱۵-۸۷.
- جعفری، تیمور (۱۳۹۴). بررسی آماری و تحلیل جغرافیایی اقوام ساکن در آبادی‌های خراسان شمالی. فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال دوم، شماره ۷. پاییز. صفحات ۳۴-۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مصطفی قادری‌حاجت و دیگران (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی، مطالعه موردی: ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا. دوره ۱۹، شماره ۱. تابستان ۱۳۹۴. صفحات ۵۲-۳۳.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵). جغرافیای سیاسی ایران، چاپ هشتم. تهران: انتشارات سمت.
- داداش‌پور، هاشم؛ بهرام علیزاده؛ فرامرز رستمی (۱۳۹۴). تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه‌ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه نقش جهان. دوره پنجم، شماره ۱. صفحات ۸۴-۷۵.
- ترکمه، آیدین (۱۳۹۷). بازاندیشی غیررسمیت و فقر/ناابرابری شهری: دیدگاهی روش‌شناختی، فضا و دیالکتیک، شماره ۹. پائیز ۹۷. قابل دسترس در: <http://dialecticalspace.com/rethinking-informality>
- رستمی، فرامرز (۱۳۹۰). مطالعه و تحلیل راهکارهای افزایش عدالت فضایی در شهرها با تأکید بر دسترسی عادلانه به امکانات و خدمات شهری، مطالعه موردی: شهر
- یاسوج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته جغرافیا. گرایش برنامه‌ریزی شهری. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۴). اندازه‌گیری شاخص و پویش فقر در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره چهارم. شماره ۱۷. صفحات ۹۲-۵۷.
- شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و شهر، تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز. رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. تهران، دانشگاه تهران.
- قادری‌حاجت، مصطفی؛ محمدرضا حافظ‌نیا (۱۳۹۷). تدوین راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی، پروژه پسادکتری. معاونت علمی ریاست‌جمهوری. صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور.
- مدیری، مهدی؛ علیرضا عباسی‌سمنانی (۱۳۹۳). روند شکل‌گیری گسل‌های مذهبی در مرزهای شمال شرق (مطالعه موردی استان گلستان)، همایش ملی مرزن‌نشینی توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۱). رتبه‌بندی مقدماتی استان‌های کشور. هسته پژوهش مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰. چاپ اول. تهران: دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان اردبیل.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان آذربایجان شرقی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان خراسان شمالی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان گلستان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان گیلان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان مازندران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵. چاپ اول. تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). به نقل از: <http://www.amar.org>.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری سال ۱۳۹۵. چاپ اول. تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. چاپ اول. تهران: دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). ضریب جینی سال ۱۳۹۳. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان آذربایجان غربی.
- مرکز مطالعاتی تبریز (۱۳۹۵). اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران.
- معمار، رحمت‌الله (۱۳۹۱). طبقه‌بندی نظریات مشارکت سیاسی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یغفوری، حسین؛ سجاد قاسمی؛ نرگس قاسمی (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری؛ مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال سی و دوم. شماره ۳. ۱۱۴-۱۲۸.
- یوسفی، صفر (۱۳۸۷). سیر تحول دین و مذهب در مازندران، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن. دوره ۴. شماره ۱۶. تابستان. صفحات ۱۹۲-۱۶۷.
- Brad, Jakob (2017). Poverty and Deprivation. Intelligence Bulletin Journal. No, 3
- Mazur, E & Urbanek, J (2014). Space in Geography. Geo-Journal. Volume 7. Issue 2. PP.139-143.
- McGuinness, Feargal (2018). Poverty in the UK. House of Commons Library. No, 7096.
- Prange, J (2009). Spatial Justice: A New Frontier in Planning for Just Sustainable Communities. New Jersey University.
- Tweedia, Andrew & Hagan, Sean (2018). Poverty Reduction and Growth Trust- 2018 Borrowing Agreement with the Banque De France. International Monetary Fund. Washington, D. C. 20431.
- World Bank (2018). Land Governance in an Interconnected World. Land and Poverty Conference 2018. www.gilan.ir.
- Young, Irish Marion (2000). Justice and the Politics of Difference, Princeton University Press. Princeton.